

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰/۱۱/۲۰

ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۲۸ [عقرب] آبان ماه

مجلس، احمدی‌نژاد را از مجمع عمومی بانک مرکزی حذف کرد

در هفته‌ای که گذشت، مجلس در جریان تصویب لایحه برنامه پنجم، برای محدود ساختن قدرت احمدی‌نژاد در یکی از مهم‌ترین مراکز مالی و پولی رژیم یعنی بانک مرکزی و بالعکس افزایش حیطه اختیارات و نفوذ خود و سرمایه‌داران بخش خصوصی در این نهاد، ماده ۸۰ این لایحه را تغییر داد. این تغییر، خشم و اعتراض طرفداران احمدی‌نژاد را برانگیخت. آنچه که پیشنهاد دولت در مورد بانک مرکزی بود همان چیزی است که اکنون جاریست و احمدی‌نژاد همه کاره است و هر آنچه که می‌خواهد در آن پیش می‌برد. یعنی اعضای مجمع عمومی بانک مرکزی را "رئیس جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، وزیر بازرگانی و یکی از وزراء به انتخاب هیأت وزیران" تشکیل می‌دهند. رئیس بانک مرکزی را نیز احمدی‌نژاد منصوب می‌کند. هنگام بررسی ماده ۸۰، محمدرضا باهنر، یکی از سران گروه‌های درونی اصول‌گرایان، پیشنهاد تغییر ترکیب و نحوه انتخاب مجمع عمومی بانک مرکزی را داد که به رغم مخالفت طرفداران احمدی‌نژاد با ۱۰۶ رأی موافق به تصویب رسید. طبق این تغییرات، احمدی‌نژاد کلاً از عضویت مجمع عمومی کنار گذاشته شد. رئیس کل بانک مرکزی و قائم مقام وی را اعضای مجمع عمومی تعیین می‌نمایند و رئیس جمهوری آن را تنفیذ می‌کند. اعضای مجمع عمومی بانک مرکزی را وزیر امور اقتصادی و دارایی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، دادستان کل، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ۷ نفر اقتصاددان به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب مجلس، تشکیل می‌دهند.

در پی این مصوبه، نخستین اعتراض از سوی رئیس کنونی بانک مرکزی که منصوب احمدی‌نژاد است رخ داد که تهدید به استعفاء کرد و گفت:

نمی‌توان کشور را با نظر اقتصاددان‌ها اداره کرد. وزیر امور اقتصادی و دارایی کابینه از احتمال بازنگاری

مصوبه مجلس خبر داد و افزود: مجمع عمومی بانک مرکزی نباید از دست دولت خارج شود. گروه نمایندگان طرفدار احمدی‌نژاد در مجلس، به منظور زیر فشار قرار دادن رقبای خود به لغو این مصوبه، مخالفت خود را از طریق مصاحبه‌های مطبوعاتی در رسانه‌های دولتی ابراز داشتند و اعلام نمودند که "هدف اصلی این مصوبه محدود کردن اختیارات احمدی‌نژاد است و حذف رئیس جمهوری از مجمع عمومی بانک مرکزی باعث ایجاد اختلاف و بحران جدی" خواهد شد. آن‌ها از جمع‌آوری ۵۰ امضاء و پشیمانی تعدادی از نمایندگان موافق خبر دادند. موافقان این مصوبه نیز اعلام کردند، این که نمی‌شود، رئیس جمهوری، همه کاره یک بانک باشد، بر سر مسایل پولی و مالی هر تضمینی که خواست بگیرد و به کسی هم پاسخگو نباشد.

غلامرضا مصباحی مقدم، یکی دیگر از سران گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد گفت: اعتراض مخالفین وارد نیست. "بانک مرکزی بانک دولت نیست، به کل کشور و حاکمیت مرتبط است و تنظیم‌کننده سیاست‌های پولی کشور می‌باشد. لذا باید فراقوه‌ئی باشد." رئیس اتحادیه سرمایه‌داران بخش خصوصی، موسوم به "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران" مصوبه مجلس را "اقدام مثبتی برای تقویت نقش بخش خصوصی در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی دانست." جدال موافقان و مخالفان ادامه دارد. هفته آینده روشن خواهد شد که زور طرفداران احمدی‌نژاد برای لغو این مصوبه توسط خود مجلس کافی خواهد بود یا خیر! اگر موافقان این مصوبه تسلیم خواست احمدی‌نژاد نشوند، آن وقت خامنه‌ای و شورای نگهبان باید دست به کار شوند و احتمالاً قضیه را به شکلی فیصله دهند که احمدی‌نژاد به کلی حذف نشود و در محدوده‌ای نظر رقبای او هم تأمین گردد.

نزاع دولت و شورای اسلامی شهر تهران

نزاع و کشمکش احمدی‌نژاد با شهردار و شورای اسلامی شهر تهران که اکثراً وابسته به گروه‌های رقیب وی هستند، یکی از درگیری‌های درونی هیأت حاکمه در طول چند سال اخیر بوده است. شهرداری تهران با درآمدهای کلان خود همواره نقش و تاثیرگذاری مهمی در جریان رقابت‌های درونی باندهای هیأت حاکمه داشته است. احمدی‌نژاد تاکنون تلاش فراوانی کرده است که از قدرت و نفوذ آن و تاثیرگذاری‌اش بر این رقابت‌های درونی بکاهد.

در هفته‌ای که گذشت تصمیم جدید دولت برای جدا کردن ری از تهران، خشم و اعتراض شورای اسلامی شهر تهران را برانگیخت. تا جایی که تصمیم احمدی‌نژاد به منازعات درونی گروه‌های رقیب ارتباط می‌یابد، این جداسازی یکی از منابع مهم مالی و اعمال نفوذ سیاسی را از دست گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد در خواهد آورد و آن را در اختیار طرفداران وی قرار خواهد داد. بنابراین واکنش شورای شهر تهران به این تصمیم دولت شدید بود. رئیس شورای شهر تهران، این جداسازی را فاجعه نامید و گفت: "بارها اعلام کرده‌ایم که این تصمیم آغاز یک فاجعه است و هر گونه جدائی از شهر تهران مانند جدائی یکی از استان‌ها از کشور بوده است." رئیس کمیته محیط زیست این شورای اسلامی، تصمیم دولت را سیاسی و خلق‌الساعه نامید، اما علت سیاسی این تصمیم را ناگفته گذاشت. مسجد جامعی یک عضو دیگر، گفت: "این تصمیم نه فقط مردم شهر ری را از نظر خدمات‌رسانی دچار مشکل می‌کند، بلکه به دنبال آن حساسیت جداسازی، بر روی سایر مناطق نیز سایه می‌اندازد." تنها طرفدار طرح دولت در این اجلاس، خواهر احمدی‌نژاد بود که تلاش کرد خود را مدافع بهبود وضعیت مردم در شهر ری جا بزند. وی گفت: "باید بررسی شود که چرا سود حاصل از عوارض کارخانه‌های اطراف شهرستان ری به جای آن که به جیب مردم همان منطقه برود، به شهرداری سود می‌رساند. حتی بهشت زهرا نیز برای شهرداری سودآور است و در حال

حاضر یک متر قبر، گران‌تر از قیمت یک متر خانه مسکونی در تهران است و قبرهای بیست میلیونی برای شهرداری سودآور بوده است".

جدال طرفین نزاع، به هیچ وجه بر سر بهبود وضعیت معیشتی مردم شهر ری نیست. نه مخالفان تصمیم دولت، نگران از دست رفتن خدمات شهری مردم ری هستند و نه موافقان، طرفدار خروج درآمدها به نفع مردم شهر ری. نزاع اما بر سر تصاحب درآمدهای کلان مالی چند میلیارد تومانی از این منطقه و استفاده از آن در جهت اهداف سیاسی گروه‌های رقیب است. اما تصمیم دولت به جدا ساختن مناطق مختلف به ویژه از شهرهای بزرگ نظیر تهران، به رقابت‌های درونی گروه‌های هیأت حاکمه خلاصه نمی‌شود. هدف سیاسی مهم‌تری پشت این قضیه قرار دارد.

جمهوری اسلامی همواره کوشیده است با دامن زدن به محلی‌گرایی و اختلافات ناشی از آن، در جهت اهداف سیاسی خود از آن بهره گیرد. مسأله در مورد تهران، ابعاد مهم‌تری دارد. تهران برای جمهوری اسلامی به یک استان کنترل‌ناپذیر از جهت سیاسی تبدیل شده است. بنابراین از مدتی پیش در تلاش است، اولاً، با پراکنده ساختن مردم تهران، از دامنه تمرکز نیروهای مخالف در این استان بکاهد. ثانیاً، با جداسازی مناطقی از آن، کنترل پولیسی بیش‌تری هم بر تهران و هم بر مناطق جدا شده اعمال نماید. هدف رژیم از این اقدام کاملاً سیاسی و علیه توده مردم است و احمدی‌نژاد از آن به عنوان وسیله‌ای در رقابت خود با گروه‌های دیگر هیأت حاکمه بهره می‌گیرد. این‌جاست که نزاع شورای اسلامی تهران با تصمیم دولت حاد می‌شود.

شاهکار بانک مرکزی: گزارش وضعیت اقتصادی بدون اعلام نرخ رشد اقتصادی

در این هفته بانک مرکزی جمهوری اسلامی گزارش کوتاهی از وضعیت اقتصادی کشور را در سال گذشته انتشار داد. طبیعی‌ست که وقتی گزارش اوضاع اقتصادی یک کشور، در طول یک سال انتشار می‌یابد، قبل از هر چیز می‌باید اعلام شود که روال چرخش اوضاع اقتصادی بر چه منوال بوده است. بنابراین، آمار مربوط به نرخ رشد تولیدات، در سرلوحه آماری قرار می‌گیرد که واقعیت اوضاع اقتصادی را بازتاب می‌دهد. به اساس این ارقام می‌توان دریافت که این کشور سرمایه‌داری در کدام مرحله از سیکل اقتصادی خود قرار دارد. آیا در مرحله رونق به سر می‌برد یا کساد، رکود و بحران و یا بالاخره اگر در بحران به سر می‌برد، ژرفای آن در چه حد است. اما بانک مرکزی جمهوری اسلامی، گزارش "تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۸" را انتشار داد، بدون حتی اشاره‌ای به اصلی‌ترین شاخص اوضاع اقتصادی و ذکری از آمار مربوط به رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی در این سال.

این اقدام بانک مرکزی، یک رسوائی بزرگ برای این نهاد مالی جمهوری اسلامی‌ست که گویا قرار است، آمار و ارقام درستی در مورد واقعیت‌های اقتصادی جامعه ارائه دهد. حالا مستثنا از این که همه می‌دانند بانک مرکزی جمهوری اسلامی هیچ‌گاه آمار درستی از واقعیت‌های اقتصادی را انتشار نمی‌دهد، سؤال این است که چگونه حاضر شد این رسوائی را علناً بپذیرد و آمار و ارقام مربوط به کم و کیف تولیدات را یک‌سره از گزارش خود حذف کند؟ پاسخ سؤال این است که بانک مرکزی این رسوائی را پذیرا شد تا رسوائی بزرگ‌تر جمهوری اسلامی را پنهان سازد. احمدی‌نژاد در طول چند ماه گذشته به همراه دیگر دروغ‌پردازهایش، مکرر اعلام کرده بود:

در حالی که عموم کشورهای جهان با بحران اقتصادی و کاهش مداوم نرخ‌های رشد روبرو هستند، اقتصاد ایران با رشد و شکوفائی همراه است و آمار ۸ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را ذکر می‌کرد. پوشیده نبود که

احمدی‌نژاد یاهوسرائی می‌کند، چرا که هر کس می‌دانست، تولیدات با رکود روبروست. کارخانه‌ها بعضاً تعطیل شده‌اند و اغلب آن‌ها با کمتر از نیمی از ظرفیت خود مشغول به کارند. بخش ساختمان‌سازی راکد است و پروژه‌های عمرانی خود دولت متوقف شده است. مؤسسات مالی بین‌المللی که وضعیت اقتصادی جامعه ایران را دائماً کنترل و ارزیابی می‌کنند، گزارش دادند که اوضاع وخیم است. نرخ‌های رشد منفی است و احتمال می‌دادند که در سال جاری نرخ رشد منفی، مطلق شود و به زیر صفر سقوط کند. اما به نظر می‌رسد که این منفی مطلق در همان سال گذشته یعنی ۱۳۸۸ صورت گرفته است و حالا بانک مرکزی می‌باید تناقض میان نرخ رشد ۸ درصدی و رونق ادعائی احمدی‌نژاد را با سقوط مطلق نرخ رشد حل کند. بانک مرکزی به هیچ طریقی نمی‌توانست این تناقض را حل کند. از این‌رو، راهی جز این ندید که از اعلام آمار و ارقام مربوط به رشد تولید ناخالص داخلی در گزارش تحولات اقتصادی سال ۸۸ صرف‌نظر کند و یک‌سره آن را حذف نماید. با این همه، آمار و ارقام دیگری هم که در این گزارش آمده است، وخیم‌تر شدن بحران اقتصادی را در سال گذشته و نیز وخامت وضعیت مالی دولت را نشان می‌دهند. در این گزارش از جمله آمده است که در سال گذشته تولید نفت ده درصد تنزل یافت و درآمد دولت از صادرات نفت و گاز ۱۶ میلیارد دلار نسبت به سال ۸۷ کاهش پیدا کرد. مجموع نقدینگی با رشد ۴۵ هزار میلیارد تومان به بیش از ۲۳۵ هزار میلیارد تومان رسید. مجموع مطالبات سیستم بانکی کشور، از دولت، شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی به بیش از ۲۳۶ هزار میلیارد تومان رسید. مجموع طلب سیستم بانکی از بخش دولتی بیش از ۳۶ هزار میلیارد تومان و طلب بانک مرکزی از دولت ۱۳ هزار و ۴۹۵ میلیارد تومان بوده است. نرخ رشد فعالیت‌های عمرانی دولت نیز در سال ۸۸، منفی ۱۱ درصد بوده است. به رغم کاهش شدید درآمدهای دولت از صادرات گاز و نفت، واردات که عمدتاً کالاهای مصرفی هستند با حدود ۴ میلیارد کاهش به ۵ / ۶۶ میلیارد دلار رسید. در این سال برداشت دولت از حساب ذخیره ارزی ۱۳ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. دولت برای جبران کمبود منابع مالی خود، فشار مالیاتی بر مردم را افزایش داد و درآمد مالیاتی دولت با رشد ۲۵ درصد به ۳۰ هزار میلیارد تومان رسید.

گزارش بانک مرکزی از اوضاع اقتصادی کشور در سال ۸۸ در همین محدوده‌ای که اعلام شده است، نشان‌دهنده وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی و تعمیق بحران است. عمیق‌تر شدن رکود در سال جاری به وضوح با این واقعیت روشن می‌شود که در نیمه‌ی نخست سال جاری، طبق گزارش مرکز آمار ایران، نیم میلیون کارگر بیکار شده و طبق محاسبات خود رژیم و اقتصاددان‌های وابسته به جمهوری اسلامی، نرخ بیکاری تا پایان سال جاری به ۵ / ۱۴ تا ۱۵ درصد خواهد رسید.

تمام شواهد موجود حاکی از عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی در ایران، تشدید رکود و افزایش شدید نرخ تورم است. با این حساب بعید نیست که بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در سال آینده یک‌سره خیال خود را راحت کند و دیگر "خلاصه" ای هم از "تحولات اقتصادی کشور" انتشار ندهد. چون تمام شاخص‌های اقتصادی منفی منفی خواهد بود.

جمهوری اسلامی و رعایت موازین شئون دیپلماتیک !

مناسبات دیپلماتیک جمهوری اسلامی با عموم کشورهای جهان، به استثنای تعداد بسیار معدودی از این کشورها، همواره با تنش همراه بوده و هست. این تنش که محدود به این یا آن کشور، این یا آن منطقه نمی‌شود، بلکه عمومیت دارد، برخاسته از سیاست‌های داخلی و خارجی است که یک لحظه رژیم را آرام نمی‌گذارد. اگر هم برای یک لحظه، مشکلی وجود نداشته باشد، جمهوری اسلامی آن را خلق خواهد کرد. در این هفته بار دیگر مناسبات

دیپلماتیک جمهوری اسلامی با دولت فرانسه با تشنج همراه بود. ماجرا از این قرار بود که گویا سفیر فرانسه در ایران، یک شب فرهنگی را به موسیقی ایران اختصاص می‌دهد و گروهی از دیپلمات‌های خارجی، فرانسویان مقیم تهران و تعدادی از ایرانیان را به این جشن دعوت می‌کند. از اظهار نظر دیپلمات‌های فرانسوی چنین برمی‌آید که سفارت فرانسه لیست اسامی دعوت شده‌ها را به این جشن به وزارت خارجه جمهوری اسلامی اطلاع می‌دهد، احتمالاً از آن‌رو که جمهوری اسلامی بهانه‌ای نداشته باشد و ایرانیان دعوت شده به اتهام جاسوسی دستگیر و محاکمه نشوند. اما جمهوری اسلامی چیزی از این حرف‌ها سرش نمی‌شود. شب فرهنگی، موسیقی و جشن در ایران چه معنایی دارد؟ بنابراین تصمیم گرفته شد که این جشن بر هم زده شود و ایرانیان دعوت شده هم دست کم کتکی نوش جان کنند و برخی از آن‌ها نیز دستگیر شوند.

بنابراین یکشنبه شب که قرار بود، این جشن فرهنگی برپا گردد، مأموران وزارت اطلاعات قبل از همه در محل برگزاری این جشن حاضر شدند، آن‌جا را به محاصره خود درآوردند، گروهی از میهمانان را تفتیش بدنی کردند، برخی از دعوت شده‌های ایرانی را دستگیر کردند. اگر مقاومتی از خود نشان دادند، چند مشت و لگد هم نثارشان شد. برخی از کارکنان سفارت نیز که خواستند دخالت کنند، آن‌ها هم از خشونت مأموران وزارت اطلاعات مصون نماندند.

وزارت امور خارجه فرانسه، سفیر جمهوری اسلامی را به وزارت‌خانه فرا خواند تا اعتراض دولت متبوع خود را نسبت به اعمال خشونت مأموران جمهوری اسلامی علیه میهمانان سفیر فرانسه و کارمندان سفارت‌خانه این کشور اعلام و آن را به عنوان نقض فاحش کنوانسیون وین در خصوص مناسبات دیپلماتیک و مغایر رعایت شئون دیپلماتیک محکوم کند. واقعاً چه حرف‌هایی! جمهوری اسلامی و رعایت شئون دیپلماتیک! خنده‌دار است. جمهوری اسلامی ایران، این حرف‌ها سرش نمی‌شود. می‌گوید همین که هستیم! دوست دارید یا ندارید، دیگر بستگی به خودتان دارد. اگر این را در طول سه دهه گذشته متوجه نشده‌اید، حالا متوجه شوید. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به زبانی دیپلماتیک همین پاسخ‌ها را به دولت فرانسه داد و گفت:

پیش‌تر در مورد حضور بعضی اشخاص در این مراسم هشدار داده شده بود. "یعنی، چون دستور ما را اجراء نکردید، خودمان آن را به مرحله اجراء گذاشتیم. به تمام این ماجرا که نگاه شود، روشن است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند بدون تشنج و تنش در مناسبات دیپلماتیک و بین‌المللی به سر برد. اگر دلیلی هم برای آن وجود نداشت، آن را خلق خواهد کرد